

آخرش هم ننه جان مان پیرا این پسر ناخلف شد. نه تغاری شان از همان اول که به راه و یا افتاد، کج رفت. از رفیق ناباب گرفته تا دزدی و مواد کشی. هر چه در گوش خودندیم افافه نکرد

گزارش بعدی

رویای ثروت در سراب دروغ

انتشار این گزارش از امروز به فردا موکول شد. «روزی یک ساعت کار کن، ماهی ۴۰۰ میلیون تومان دربیارا»... ماهی ۴۰ میلیون در آمد تا شهر بپور... کیشن رو بخون کلمه مسرور کامنت کن. کمکت می کنم به این در آمد برسی... «تو خونه بشین ماهی ۵۰ میلیون تومن دربیار چه جوری ؟ عدد ۲ رو کامنت کن تا بهت بگم»، «من دیر متوجه شدم ولی تو اینو بدون... یا انجام این ۵ کار هر ماه بالای ۱۰۰ میلیون تومان در آمد در سال ۱۴۰۳ میتونی کسب کنی کلمه شغل رو کامنت کن...»

دوره می خانوادگی در زندان قزلحصار

گزارشی از حال و هوای اطراف زندان قزلحصار در ساعاتی که خانواده‌ها برای ملاقات می آیند



بزرگ چسبیده به هم بالا رفته؛ کوه‌هایی که در امتداد قله‌هاشان خورشید، نور و البته حالا که تابستان شده، بیشتر گرما می‌دهد. از میان خیابان‌های آعیان نشین مهر شهر کرج و حاشیه روستاهای ملک آباد و سلطان آباد که گاه با نام شهرک زندان شناخته می‌شوند (به سبب سکونت خانواده‌های زندانیان) نیز عبور می‌کنیم تا امتداد بلوار پیام؛ جایی که اغلب از سرعت خودروها کاسته می‌شود تا با احتیاط راه سوی زندان کج کنند. برخی یکسره تا پارکینگ زندان قزلحصار می‌رانند و برخی دیگر چون با تاکسی عزم کرده‌اند، همان کنار گذر پیاده می‌شوند و قدم‌زنان پیش می‌آیند. ناراحت، خوشحال، خشمگین، خسته، ناامید و پریشان بی‌ملاقاتند؛ بی‌آنکه مانند گذشته کیسه‌ای از توشه و آذوقه برای زندانی‌شان داشته باشند. ساعت کمی به ۱۲ و زمان ملاقات مانده. از این روای دیوارهای بلند، قطور و محکم زندان، خانواده‌های ملاقات‌کننده از پدر و مادر، همسر و فرزند و خواهر و برادر یا ایستاده یا خود را به خاک نشانده‌اند، انتظار می‌کشند.

روزگار سحر جعفریان روزنامه نگار وعده این است که قبل ساعت ۱۲ به حوالی زندان قزلحصار برسیم تا حال و هوای خانواده‌هایی را که به ملاقات کسان‌شان در بند و حصار آن آمده‌اند، در بایسیم. پس، از تهران خارج می‌شویم و مسیر می‌کشیم؛ در طول بزرگراه شهید حجازی و بعد هم آزادراه قزوین - کرج. در دوردست جاده پیش گرفته خبر چندانی از ترافیک به سبک کلانشهرها نیست. اطراف جاده، دشت و زمین کشاورزی پهن شده و پس‌شان نیز کوه‌های کوچک و



تماشای گزارش

سلامتی زندونی‌های بی‌ملاقاتی

ساعت ۱۵ دیگر زمانی برای ملاقات باقی نمانده، حتی برای آنها که از راه‌های دور آمده و دیر رسیده‌اند. این را آقرحیم موی‌سید کرده که روزگاری راننده اتوبوس بین‌بندهای زندان قزلحصار بود، می‌گوید: «خانواده‌های ملاقات‌کننده را بعد از گیت ورودی زندان سوار اتوبوس می‌کردیم و هر یک‌شان را به بندهایی که شمارشان با مهر و جوهر سبز کف دست‌های‌شان ثبت شده بود، می‌رساندیم. طی راه با صدای گریه و زاری شنیده می‌شد یا نفرین و ناله به گوش می‌رسید. هر کسی هم که در می‌رسید چارهای نداشت جز اینکه یک هفته دیگر برای ملاقات می‌رسد». زیر لب یاد جمله معروف می‌کند: «سلامتی زندونی‌های بی‌ملاقاتی...» در دست در همین زمان، کار و کاسبی رانندگان تاکسی که آن حوالی به‌دنبال مسافرهای متروی مهر شهر کرج و با حتی تهران و ترمینال‌های مسافری‌اش بودند، سکه می‌شود. اصغر صدا بلند می‌کند: «متر و... متروی مهر شهر... ۲۰۰۰ نفر...» مرد جوان نزدیکی می‌شود: «نفری چند دای؟» اصغر هم با سر آستین عرق پیشانی‌اش را می‌گیرد: «نفری ۱۵ تومن... اگر درست تهران هم بخوای می‌برم... ۴۰۰ تومن به بالا...» تبغ آفتاب که نیز می‌شود، از آن جمعیت مترجم‌چندگانه گشته و ناچار نمی‌ماند: جمعیتی که با پرونده‌های شکایت به‌دست دارند و می‌خواهند از سد ملاقات ممنوع به طرفی بگذرند یا به دنبال کسب رضایت و تأمین رد مال هستند.

ذوق ملاقات‌کنندگان برای دستچین سفارش‌ها

ساعت کمی مانده به ۱۴. حالا بسیاری از آن جمعیت که مقابل زندان برای دقایقی دیدار کسان و نزدیکان‌شان از صبح منتظر به صف بودند، با مهرهایی که کف دست‌شان توسط مسئولان هر بند به ثبت رسیده از ملاقات باز می‌گردند. سارا، دختری جوان است که پدرش باید ۱۴ سال دیگر پشت میله‌های زندان سر کند. «کل هفته را به امید این ساعت ملاقات سر می‌کنم. شاید برای جامعه او مجرم باشد، اما برای من و خواهرم پدر است». از یکی از جیب‌های مانتویش دستمال کاغذی مجاله‌شده‌ای بیرون می‌کشد. «قبل از اینکه به ملاقات بیایم همه‌اشک‌هایم را می‌ریزم تا وقتی رویه‌روی پدرم نشستم، اشکی نماند». در یک کارگاه خیاطی که میان هزار توی بازار جای گرفته، به دوخت و دوز پوشاک بچگانه مشغول است. «هر هفته بخشی از درآمد برای پدرم کارت به کارت می‌کنم تا بتواند سیگار و کتاب بخرد. اهل نقلات خوری نیست». ابراهیم، صاحب فروشگاه مواد غذایی قزلحصار و مددجویان زندان است که حرف‌ها و خاطرهای شنیدنی بسیار دارد. «همین چند سال پیش که ملاقات‌کنندگان اجازه داشتند برای زندانی‌شان خوراک و پوشاک ببرند، فروشگاه ما پر بود از انواع اجناس سفرشی و البته مشتری‌هایی که هر کدام‌شان با ذوق خوراکی‌ها و باقی لوازم مورد نیاز زندانی را انتخاب و دستچین می‌کردند. حتی تعدادی خیر هم بودند که هر ماه با پرداخت مبلغی حساب مشتری‌های نیازمند را که از خانواده زندانی‌ها بودند، تسویه می‌کردند. ولی الان آن مشتری‌هایم ایند تا بتوانند خنک گلوئی خوششان را تن کنند یا با خوردن ساندویچی معده‌شان را چرب.»

عاشق کردم، اما عوق شدم!

ماه‌سلطان هم هر چند فروت و کم‌جان، اما با آن عصای چوبی بدتراش که بیشتر به تر که درخت گردو می‌ماند، آمده. گاهی به دور دست، درست آن سوی بلوار روبه‌روی زندان که به راسته «شیطان‌باز ماشین» معروف است و ده‌ها مرد از نوجوان تازه پشت لب سبز شده تا میانسالی پول گرد و بازار دراز دیده، خیره و گاهی با اشکی درشت چشمتش می‌شود: «عاشق کردم اما چه می‌دانستم که خودم عوق می‌شوم... کاش آن روز که خیرش کردند بروم، دوایم را پیش می‌شکست یا یک طوری زمینگیر می‌شد و نمی‌رفت... حالا چه کنم که بخرم سوخته و حکمش ۲۰ سال بند بخانه‌ست...» زن جوانی که کنارش چهار زانو نشسته و لبه چین‌خورده چادر رنگو رو رفته‌اش را تا خط ابروهایش پایین کشانده، سقله‌های آرام به ماه‌سلطان می‌زند. ماه‌سلطان اما دلش پرت‌تر از آن است که آشنا یا غریبه بودن گوش‌شوی درددل‌هایش برایش توفیر داشته: «دردم یکی دو تا نیست دختر جان. من حتی نمی‌توانم برای پسر که آن تو گرفتار است خودم چاشت و غذا درست کنم یا خوراکی‌های مورد علاقه‌اش را بگیرم و بیاورم». زن جوان که گویی خود از این درد ناله دارد، می‌گوید: «توی زندان مغازه و دکان است و زندانی‌ها با کارت عابری که دارند می‌توانند خرید کنند، ولی خبای خانم‌جان خودت که می‌دانی زندان است دیگر، قرار نیست همه جور خوراکی و خوردنی خوشمزه در آن پیدا شود!» همین جمله کافی بود تا دوباره اشک‌های درشت ماه‌سلطان سرازیر شود.

ورود آذوقه و توشه، ممنوع!

آفتاب ظهرگاهی، داغ و گسترده شده. آنچنان که هر مش، حسرت قدری سایه‌نشینتی بد دل جمعیت ملاقات‌کننده گذاشته؛ حسرتی که جلوتر، ترسیده به پارکینگ عمومی زندان با سایه شفاف و کوچکی که از سایه‌بان آفتاب‌سوخته و فرسوده سوپرمارکت «فروشگاه مواد غذایی قزلحصار و مددجویان» بر زمین خاکی نقش بسته، رنگ می‌بازد. دیری نمی‌پاید که خنکای همین سایه‌بان فرسوده سوپرمارکت پناه اغلب آن جمعیت منتظر می‌شود؛ جمعیتی که میانش در گوشه‌های دنج چسبیده به دیوار بیرونی زندان و زیر آن سایه کوچک، قنبر چنیک زده، دیده می‌شود. حدوداً ۵۰ سال دارد و برای ملاقات برادرش شنیده یا اگر جور نباشد، سه‌شنبه هر هفته از روستایشان «کوهلر» توابع استان مرگزی راهی سالن ملاقات حضوری یا کابینتی زندان قزلحصار می‌شود. این روایت شنیده یا سه‌شنبه‌های ۱۲ سال از زندگی او و خانواده‌اش است: «آخرش هم ننه‌جان‌مان پیر این پسر ناخلف شد. نه تغاری‌شان از همان اول که به راه و یا افتاد، کج رفت. از رفیق ناباب گرفته تا دزدی و مواد کشی. هر چه در گوش خودندیم افافه نکرد». می‌هی و های‌های کنان، با لهجه‌ای نزدیک به گروه زبانی ایلی از قوم لر و بالحنی سوزدار می‌گوید: «هر هفته کار مو این شده که از براوم خبر سی ننه‌جان بروم پای‌ای که کنمشا که ننه‌جان دم‌گیر کرده و پارچه‌هایی که برای پیرهنی و شلوازی قد کرده سی براوم بیاروم هُلفدونی. چه فایده وقتی که نگه‌مونا می‌گن ورود توشه‌ها هشتی‌تی! فقط پیل باید داد.»

آگهی مناقصه عمومی

شرکت خدمات دریایی و مهندسی کشتیرانی قشم

در نظر دارد مناقصه عمومی نوبت دوم (دو مرحله‌ای) به شماره **TN/1403/02** با موضوع اجاره شناور تدارکاتی، به مشخصات آن به طور کامل در اسناد مناقصه ذکر گردیده است را برگزار نماید.

از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می‌شود ضمن دریافت اطلاعات کلی شرایط مناقصه و مستندات از طریق مراجعه به تارنمای شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به نشانی **www.irisl.net**، نسبت به مطالعه، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه به دفتر حراست این شرکت واقع در تهران، میدان شهید طجرلو، خیابان طجرلو شرقی، پلاک ۶۳، طبقه پنجم، کدپستی ۱۶۷۸۶۹۵۱۸۰ و یا بندرعباس، کیلومتر ۸ جاده مجتمع بندری شهیدرجایی کدپستی ۷۹۱۷۱۷۴۴۶۹، شرکت خدمات دریایی و مهندسی کشتیرانی قشم، حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۱ اقدام نمایند. همچنین در صورت سوال یا ابهام درخصوص شرایط مناقصه خانم مانا مختاری به شماره ۰۲۱-۷۲۴۱۵۵۵۶ یا پاسخگوی متقاضیان می‌باشد.

آگهی مناقصه عمومی

شرکت خدمات دریایی و مهندسی کشتیرانی قشم

در نظر دارد مناقصه عمومی نوبت اول به شماره **TN/1403/05** با موضوع خرید پلمپ کپسولی فلزی کانتینر مورد نیاز شناورهای ناوگان کشتیرانی ج.ا.ا. که مشخصات آن به طور کامل در اسناد مناقصه ذکر گردیده است را برگزار نماید.

از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می‌شود ضمن دریافت اطلاعات کلی شرایط مناقصه و مستندات از طریق مراجعه به تارنمای شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به نشانی **www.irisl.net**، نسبت به مطالعه، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه به دفتر حراست این شرکت واقع در تهران، میدان شهید طجرلو، خیابان طجرلو شرقی، پلاک ۶۳، طبقه پنجم، کدپستی ۱۶۷۸۶۹۵۱۸۰، شرکت خدمات دریایی و مهندسی کشتیرانی قشم، حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ اقدام نمایند.

همچنین در صورت سوال یا ابهام درخصوص شرایط مناقصه خانم فرناز محمدی به شماره تماس ۰۲۱-۷۲۴۱۵۳۳۱ یا پاسخگوی متقاضیان می‌باشد.

آگهی مزایده عمومی فروش سهام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه سرمایه رفاه

شماره ۱۴۰۳/۰۱

مجموعه بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به فروش ۱۰۰ درصد از سهام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه سرمایه رفاه (سهامی خاص) به تعداد ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ سهم به ارزش ۱,۹۶۹,۰۳۴,۰۳۵ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید.

متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، روبه‌روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند (شماره‌های تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۲۳ - ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰)

شرایط شرکت در مزایده:

- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به شرح جدول ذیل به اطلاع متقاضیان می‌رسد.

نام شرکت	سرمایه ثبت شده
تعداد سهام قابل واگذاری	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۱,۹۶۹,۰۳۴,۰۳۵
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۱۹,۶۹۰,۳۴۰,۳۵۰
شرایط واگذاری (۱)	تماماً نقد و یکجا

(۱) قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری با خریدارانی است که قیمتی بالاتر را برای کل بلوک سهام قابل واگذاری پیشنهاد نمایند.

آگهی مناقصه عمومی

شماره ۰۱ - ۱۴۰۳ نوبت اول

شرکت ایران خودرو دیزل در نظر دارد: ارائه خدمات سرویس دهی جهت ایاب و ذهاب پرسنل شرکت کارفرما از مقاصد مختلف (شهرهای تهران ۴۲۵ نیمراه، کرج ۳۳۰ نیمراه و جاده ساوه ۲۲۰ نیمراه) به محل کارفرما واقع در آدرس مندرج در مقدمه و بالعکس در مسیرها و ایستگاه‌های تعیین شده بوسیله ون، مینی‌بوس و اتوبوس بر اساس سامانه HR.IKD. (ایکون سرویس‌های ایاب و ذهاب) که رمز عبور آن در اختیار پیمانکاران قرار خواهد گرفت، مطابق با شرایط عمومی و مفاد پیش‌نویس قرارداد و جداول شرح مسیرها به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

- لذا متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ با همراه داشتن معرفی‌نامه جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی: تهران - کیلومتر ۱۴ کمربندی آزادگان (از اتوبان تهران - کرج) - ابتدای بزرگراه آیت‌الله سعیدی (به طرف اسلامشهر) - بلوار شهدای ایران خودرو دیزل - درب شماره ۲ - مدیریت تدارکات داخلی مراجعه نمایند.
- نوع تضمین:** مبلغ ۳۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (سی و پنج میلیارد ریال) به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی در وجه شرکت ایران خودرو دیزل
- اسناد مناقصه با ارائه معرفی‌نامه و رسید بانکی به مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یک میلیون ریال) به حساب ۰۱۰۵۰۵۳۹۳۹۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه کارخانه خودرو دیزل کد ۱۶۵۳ قابل دریافت می‌باشد شناسه ملی شرکت ایران خودرو دیزل ۱۰۱۰۰۳۲۶۰۱۴ بدیهی است دریافت اسناد مناقصه عمومی از سوی آن شرکت، هیچگونه تعهدی برای کار فرما ایجاد نخواهد نمود.
- شرکت ایران خودرو دیزل در پذیرش یا رد پیشنهادهای واصله دارای اختیار می‌باشد.
- کلیه هزینه‌های مربوط به مناقصه از جمله هزینه‌های درج آگهی (دو نوبت) بعهده برنده مناقصه می‌باشد.
- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۵۱۲۴۲۰۹۶ و ۵۱۲۴۲۲۷۷ تماس حاصل نمایند.

ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت ایران خودرو دیزل

- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱ درصد ارزش کل سهام قابل واگذاری می‌باشد که می‌بایستی بصورت وجه نقد واریزی به حساب شماره ۵۰۰۰۱۴ به نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه بصورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.
- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۴ به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.
- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گذار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت کامل ثمن معامله اقدام ننماید، هیچگونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گذار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.
- پاکت‌های مزایده در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر (عج)، رسیده به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاددهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.
- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم (وجه نقد/ ضمانت‌نامه بانکی معتبر - وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل ثمن معامله توسط برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.
- فروشنده در رد یا قبول هر یک از / کلیه پیشنهادات واصله مختار است.